

سرآغاز و سیر ادبیات داستانی کردی

www.ketabir

رحیمیان شیرمرد، محمد ۱۳۵۰

سازگار و سایر ادبیات داستانی کردی

تألیف، رمان، سخن ۱۳۹۲

شابک: 978-600-937111-8-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات، فیبا

ادبیات کردی - تاریخ و نقد

ادبیات عامه کردی

داستان‌های کردی - تاریخ و نقد

داستان‌نویسان کرد - ایران

رده‌بندی کنگره: ۳۱۳۹۲ ر ۳۱۳۹۲/آ ۲۱ PIR۳۲۵۶

رده‌بندی دیویی: ۸۹۰/۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۰۰۴۷۴

انتشارات رامان سخن

سرآغاز سه ادبیات داستانی کردی

مد رح میان پیرمرد

چاپ پنجم ۱۳۹۸ ش/۱۴۲۹ ق ۳۰۰ نسخه/قیمت ۹۵۰۰۰ تومان

صفحه آرایشی: الهام عباسخانی

طراح جلد: مهرا سیدی

چاپ و صحافی شرکت چاپ بصیرت

تهران: خیابان آقابالا زاده خیابان محبوب مجاز خیابان خورشید جنوبی

کوچه وزیری

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است

تلفن تماس: ۰۹۳۶۵۹۵۶۰۶۸ ۰۹۱۴۹۸۱۳۹۲۷۰

www.ketab-89-blogfa.com

فصل اول

۱۱	۱- زبان کردی
۲۱	۱-۱) کردی یک گویش فارسی است
۲۱	۲-۱) گستره‌ی زبان کردی
۳۹	۳-۱) گویش‌های کردی
۳۹	۲- ادبیات کردی
۴۳	۱-۲) ادبیات فولکلور کردی
۴۴	۲-۱-۲) ترانه‌ها و آوازاها
۵۰	۲-۲) ضرب‌المثل‌ها و پند پیشینیان
۵۵	۳-۱-۲) لغز و چیستان
۵۸	۴-۱-۲) طنز و لطیفه و سخنان نفز
۵۸	۲-۲) ادبیات مکتوب کردی
۶۱	۱-۲-۲) نظم کردی
۶۵	۲-۲-۲) نثر کردی
۶۸	فهرست منابع
۷۲	

۸ سرآغاز و سیر ادبیات داستانی کردی

فصل دوم

- ۷۹ ادبیات داستانی کردی و انواع آن
- ۸۱ ۱) ادبیات داستانی کلاسیک
- ۸۳ ۱-۱) حیران
- ۸۸ ۲-۱) پایزه
- ۹۱ ۳-۱) بیت
- ۹۲ ۱-۳-۱) قالب و فرم بیت‌ها
- ۹۴ ۱-۲-۱) منشاء و مضمون بیت‌ها
- ۱۰۸ ۱-۳-۱) عناصر داستانی بیت‌ها
- ۱۱۷ ۱-۳-۱) تلخیص و تحلیلی از چند بیت
- ۱۶۰ ۱-۴-۱) آفرینش‌ها، تم‌ها و حکایات کردی
- ۱۶۴ ۱-۴-۱) سبک و چهره
- ۱۶۷ ۱-۴-۲) قصه‌ی کردی
- ۱۷۲ ۱-۴-۳) سازه‌های قصه‌ی کردی
- ۱۸۳ ۲- ادبیات داستانی مدرن
- ۱۸۳ درآمد: تمایز ساختاری قصه و داستان مدرن
- ۱۹۶ ۲-۱) پیدایش و پرورش رمان و داستان کوتاه
- ۲۰۲ ۲-۲) نمایی از تاریخ داستان‌نویسی کردی
- ۲۰۵ ۲-۳) رمان کردی
- ۲۱۵ ۲-۴) داستان کوتاه کردی
- ۲۲۶ ۲-۵) داستان کوتاه کردی
- ۲۳۰ فهرست منابع

فصل سوم

داستان نوبسان کردستان ایران و نقد آثار آنها

درآمد

۱- حسن قزلبچی

۲- احمد قاضی

۳- فتاح امیری

۴- جلال ملک‌شاه

۵- عطا نهایی

۶- ناصر بیدی

۷- نجیبه محمد

۸- محمد رمضان

۹- حسین شیرینیگی

تحلیل و نتیجه‌ی کلی

فهرست منابع

کتاب‌شناسی منابع

۲۴۱

۲۴۶

۲۶۳

۲۷۷

۳۰۱

۳۱۰

۳۴۸

۳۵۶

۳۶۶

۳۷۶

۳۹۵

۴۰۷

۴۱۰

مقدمه

داستان زندگی است و فقدان آن مرگ.

«تودورف»

آگاهی و کشف و شناخت هم‌اکنون رشک‌آورترین نیاز نهفته در ذات بشری، تکامل و تعالی را برای انسان به ارمغان آورده است و به یمن آن، آدمی همواره از طلسم تاریکیِ جهل‌گریزان و در پی دست یافتن به قصرهای درخشان دانش به راه است. وی از آغازین اعصار حیات برای بازشناخت پدیده‌های پیرامون خویش، پریان تخیل خود را پرواز داده و به یاری تفکری ابتدایی به تفسیر جهان بیرون و عالم درون خویش پرداخته است. در این شکل از شناخت بوده است که قصه و حکایت در کنار آتش‌دان‌ها و در تاریکی مبهم شب‌ها، از خیال قصه‌گویان زاده است و جهان پیچیده و پررمز و راز اسطوره‌ها پدید آمده است که در عین رازناکی و ابهام، با ایجاد حرکت در جمود فضای زندگی بشری، همچون ابزاری بارور و پویا

برای تخلیه‌ی هیجان‌ها و بیان اندیشه‌ها و تفسیر اندوخته‌های نهفته در پرده‌ی ناخودآگاه انسان و برای مواجهه با جهان، به کار گرفته شده است. اما اگر روزگاری این فرایند پیچیده‌ی ذهن بشری، خارج از اشراف کامل وی بود، امروزه داستان به شکلی آگاهانه برای مواجهه با جهان خلق می‌شود و تمام کوشش و الهام و آفرینی که داستان نویس در ارائه‌ی هنر خود به کار می‌گیرد، برای این نکته است. پس.

انگیزه، عامل انتخاب موضوع این پژوهش با عنوان «سرآغاز و سیر ادبیات ستانی کردی»، توجه به این مهم بود که ادبیات کردی در دو شکل شفاهی و مکتوب خود، به عنوان میراثی دیرین، ژرف و شکوهمند، زبان‌های ادب و ادب یکی از اقوام اصیل ایرانی را در برگرفته است که متأسفانه این از این افتخار بزرگ خود غفلت ورزیده و کمتر توانسته به دستزن چنان نشان درخشانی فخر ورزد. در حالی که ادبیات کردی از طریق شعر، عریان نوپرداز در جامعه‌ی ادبی اروپا به شهرت قابل توجهی دست یافته هنوز در جامعه‌ی ادبی ایران جایگاه شایسته‌ی خود را کسب نکرده است.

پر بدیهی است که یکی از راه‌های بازشناخت تمدن کهن ایران و امکانات فرهنگی و زبانی آن، جستارهای دقیق و علمی در گذشته‌ی فرهنگی این مرز و بوم و باز تولید آثار اصیل در شاخه‌های گوناگون ادبی - هنری و حفظ اصالت فرهنگی و زبانی

در جهانی است که ملت‌های ناتوان در تثبیت هویت خویش، به شدت با خطر خاموشی مواجه‌اند، لذا ضروری است که ادبیات کردی مورد توجه جدی مراکز فرهنگی و ادبی قرار گیرد و پژوهشگران به تحقیق و تفحص در این زمینه ترغیب شوند و مرصه‌ی عمل برای آن‌ها فراهم گردد. لازم است بانیان مراکز علمی، پژوهشی و فرهنگی کشورمان با تشکیل انستیتوی کردشناسی، زبان، فرهنگ و ادبیات کردی را مورد توجه و عنایت جدی قرار داده و دین خود را بر این اساس از فرهنگ ایرانی ادا نمایند:

ز هرگونه‌ای بوده ت رهنمای نجنید یک‌ذره مهرت زجای

اما زمینه‌ی تحقیق و صرفه‌ی مسئله در این پژوهش، همانا تعیین و تبیین جایگاه ادبیات داستانی در ادبیات کردی بود و پاسخ به این پرسش‌ها که داستان در ادبیات کردی دارای چه سابقه‌ای است و کدام مسیر را طی نموده و وضعیت کنونی آن چگونه است؟ با وقوف بر این اصل مسلم که حجم وسیعی از فرهنگ شفاهی تمام ملل جهان با قصه انباشته است و فرهنگ کردی نیز بر این قاعده مستثنا نیست، بنیان تحقیق خود را بر دو پایه‌ی ادبیات شفاهی و ادبیات مکتوب کردی بنا نهادیم. اما پیش از پرداختن به اصل مطلب، ارائه‌ی مطالبی هر چند مختصر راجع به استقلال زبان کردی از فارسی ضروری می‌نمود، چرا که اگر با تصویری نادرست و غیرعلمی زبان کردی را یک گویش فارسی تلقی کنیم نه تنها بنای

این تحقیق به‌ویژه در بخش ادبیات داستانی مکتوب فرو می‌ریزد، بلکه قرن‌ها تلاش ادبی شاعران و نویسندگان و شکوه آثار آن‌ها نادیده انگاشته می‌شود، لذا در آغاز فصل نخست به قدر وسع و در حد گنجایش این نوشته، بخشی را به بررسی تاریخ زبان کردی اختصاص دادیم که در آن ضمن کاوش ریشه‌ی تاریخی زبان کردی و قدمت آن، به بیان رابطه‌ی این زبان با زبان فارسی و علل انزوای زبان کردی پرداختیم و سپس با تقسیم ادبیات کردی به دو حیطه‌ی شفاهی و مکتوب اقدام به جستجوی پاسخ مسئله نمودیم. در بخش ادبیات شفاهی، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لغز و چیستان و طنز و لطایف کردی نیز علاوه بر قصه‌ها و افسانه‌ها وارد حوزه‌ی این پژوهش شدند.

از آنجا که جستار سابقه‌ی داستان در حوزه‌ی ادبیات شفاهی یکی از اهداف اصلی این رساله بود، در عین حال به هم داستانی یعنی تخیل و روایت مورد تحقیق و تدقیق در حیطه‌ی مکتوب وارد نظر قرار گرفتند. دقیقاً از این منظر بود که ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لغز و چیستان و طنز و لطیفه‌های کردی ارزش تفحص یافتند و به‌عنوان یک رد پای داستان از مجرای همان دو عنصر مذکور در این بخش از ادبیات شفاهی، دنبال شود. البته همانگونه که در متن کتاب یادآوری کرده‌ایم، توالی و ترتیبی که ما را در زنجیره‌ی بحث از ترانه‌ها به قصه‌ها رسانده است، هرگز یک ترتیب تاریخی نیست و صرفاً

عوامل ساختاری و وجود عنصر داستانی، این توالی را ایجاد کرده است.

به خاطر گستردگی و اهمیت قصه‌ها و حکایات کردی، بخش نخست فصل دوم را مستقلاً به شرح و بررسی آن‌ها اختصاص دادیم. بازرود به حوزه‌ی قصه‌های کردی، «بیت»ها - قصه‌های منظوم شفاهی که به شکل آواز خوانده می‌شوند - با اهمیت تاریخی، فرهنگی، اجتماعی - استوار شده‌اند. پدیدار شدند. در این مبحث نیز از مدخل «حیران» به پایان. به گسترده‌ی وسیع «بیت»ها گام نهادیم و پس از بررسی قالب و فرم، مثنأ و مضمون و عناصر داستانی آن‌ها، تلخیص و تحلیلی از چند «بیت» ارائه کردیم. شکل منظوم این نوع داستانی در زنجیره‌ی مباحث، آن را مقدم بر بررسی ساختار و عناصر داستانی افسانه‌ها و قصه‌های کردی قرار دادیم.

در بخش آخر فصل دوم زمینه‌های پیدایش، پرورش و نضج و گسترش رمان، داستان کوتاه و داستان کوتاه کردی مورد بررسی قرار گرفت.

پس از تفحص تاریخی ادبیات داستانی مدرن، برای شناخت جایگاه و ارائه‌ی تصویری روشن از وضعیت آن، شرح، تحلیل و بررسی ویژگی‌های نمونه‌هایی از این نوع داستانی، ضروری می‌نمود. اما ظرفیت این رساله مسلماً کم‌تر از آن بود که بتواند شرح، بسط و نقد نمونه‌هایی از آثار داستان‌نویسان هر چهار بخش

کردستان در ایران، عراق، ترکیه و سوریه را در خود بگنجاند. ناگزیر در فصل سوم، اختصاصاً با بررسی ساختار و محتوای آثار داستان‌نویسان کردستان ایران، دامنه‌ی بحث را محدود ساختیم و به این ترتیب، آن روح کلی و فراگیری که تا پایان فصل دوم بر فضای رساله سایه افکنده بود، به کردستان ایران محدود شد.

راجع به سابقه‌ی موضوع مورد بحث این رساله، حداقل در حد اطلاع نگاشته، تاکنون (۱۳۷۹) هیچ تحقیق جامعی درباره‌ی ادبیات داستان‌نویسی کردی، نه در بخش کلاسیک و نه در بخش مدرن، صورت نگرفته است. اثر مطلبی درباره‌ی موارد مذکور به رشته‌ی تحریر درآمده باشد در حد یک مقاله‌ی محدود و مطبوعاتی بوده است. البته منظور ما محدودی دبی کردستان ایران است، چرا که در کردستان عراق آثار تحقیقی ارزش‌مندی در حوزه‌ی ادبیات داستانی مدرن به رشته‌ی تحریر درآمده است. از جمله کتاب «داستان هنری کردی» از دکتر «زاهر روریانی» و پایان‌نامه‌ای با عنوان «بنیان داستان مدرن کردی» از «احلام مسعود» که هر کدام از این آثار، مقطع خاصی از تاریخ داستان مدرن کردی را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما نگارنده اثری را که به شکل جامع، ادبیات داستانی کردی را مورد ارزیابی قرار دهد، سراغ ندارد و رساله‌ی حاضر می‌کوشد تصویری عمومی از ادبیات داستانی کردی ارائه دهد.

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که هر یک از مباحث این رساله قابلیت و گنجایش آن را دارند که به عنوان موضوعی

مستقل مورد تحقیق و تفحص قرار گیرند. در هر بخشی که امکان تحقیق موضوعی به ذهن متبادر شده است، اما پرداختن به آن در این رساله مقدور نبوده، مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است تا علاقه‌مندان با توان تحقیقی خود، آن را مورد پژوهش قرار دهند.

حاصل سخن آن که این رساله تنها نخستین گام در عرصه‌ی ادبیات داستانی کردی می‌باشد که نمایی کلی و عمومی از آن ارائه کرده است و راه‌های نیمه‌وده‌ی بسیاری از این وادی بیکرانه، همچنان باقی است.

در پایان این رساله تقدیر و تشکر خود را از همه‌ی عزیزانی که بدون الطاف و مهربانی‌ها و رگز به مقصود نایل نمی‌شدیم، بیان داشته و سپاس قلبی خود را به همه‌ی این بزرگوران تقدیم نماییم:

استاد فرزانه جناب آقای دکتر تنی نورنامداریان که به عنوان استاد راهنما با دقت و حوصله‌ی کافی ما را در کلیه‌ی مراحل تحقیق یاری کردند و از هیچ رهنمودی، دریغ نفرمودند.

استاد گرانمایه جناب آقای دکتر قطب‌الدین صادقی که به عنوان استاد مشاور، این پژوهش را با نظرات راهگشای خود همراه ساختند.

دوست همیشه همراهم حسین دارخال که بخشی از رنج‌های تهیه‌ی این رساله را بر دوش کشیدند و مدیر محترم انتشارات رامان سخن که مجدانه برای چاپ و انتشار این اثر تلاش نمودند.

لازم است نظر خوانندگان محترم را به این نکته‌ی مهم جلب نمایم که اثر حاضر در سال ۱۳۷۹ به عنوان رساله‌ی دانشگاهی تهیه

و تدوین شده است. آشکار است که از آن زمان تا روز انتشار کتاب، تحولات ادبی مهم دیگری در حوزه‌ی ادبیات داستانی کردی رخ داده است که باید به این جستار افزوده می‌شد و در مباحث مربوط به فصل سوم، داستان‌نویسان تأثیرگذار دیگری را می‌توان افزود که اگر امروز مبادرت به تهیه‌ی مطالب این کتاب می‌کردم، دکام‌شان اجتناب‌ناپذیر بود و طبیعتاً نویسندگانی هم که داستان‌های شارپ‌رزد بحث قرار گرفته است، در این مدت آثار دیگری را به کارنامه‌ی ادبی خود افزوده‌اند و راجع به نقد آثار، تأکید می‌کنم که اگر امکان و مجال بازنویسی میسر می‌شد، بی‌گمان شیوه و رویکرد متمایزتر و تازه‌تری می‌گشت که امید است در مجالی دیگر، فرصت چنین اتفاقی فراهم آید.

در غلط گفتیم اصلاحش تو کن
مصلحتی نیست، ای تو سلطان سخن
کیم داری که تبدیلیش کنی
گرچه جوی خون بود نیلش کنی.

محمد رحیمیان

۷۹/۳/۳